

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره عصر

فهرست مطالب

۱.....	۱۳۹۶/۱۲/۱۸	مقدمه (۶۹۶)
۴.....	۱۳۹۶/۱۲/۱۹	سوره عصر (۱۰۳) آیه ۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ وَالْعَصْرِ ۱۳۹۶/۱۲/۱۹
۹.....	۱۳۹۶/۱۲/۲۰	سوره عصر (۱۰۳) آیه ۲ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۱۳۹۶/۱۲/۲۰
۱۵.....	۱۳۹۶/۱۲/۲۱	سوره عصر (۱۰۳) آیه ۳ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ۱۳۹۶/۱۲/۲۱

۱۳۹۶/۱۲/۱۸

مقدمه (۶۹۶)

سوره عصر جزء سوره‌های مکی است^۱ و همگان درباره سه آیه بودن آن اتفاق نظر دارند؛ البته درباره مصداق آن اختلاف است؛ در روایت اهل کوفه، بصره و شام و مدنی اول، همین گونه است که در قرآن رایج در دست ماست؛ اما در روایت مکی و مدنی اخیر^۲، دو آیه اول، یک آیه محسوب می‌شود و عبارت «و تَوَّصُوا بِالصَّبْرِ» آیه سوم محسوب می‌شود. (مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۱۴؛ تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۳۷۲)^۳

اهمیت مضامین این سوره به حدی است که از ابوملیکه دارمی که از اصحاب بوده، روایت شده که هنگامی که دو نفر از اصحاب رسول الله با هم بودند و می‌خواستند از هم جدا شوند، جدا نمی‌شدند مگر یکی این سوره را بر دیگری می‌خوانده و دیگری هم «والسلام علیکم» می‌گفته است.^۴

۱. البته از مجاهد و قتاده و مقاتل نقل شده که این سوره «مدنی» است اما دلیل آنها صرفاً با توجه به محل این سوره در مصحف کنونی بوده و لذا دلیل قابل اعتنایی نیست:

هذه السورة مكية في قول ابن عباس و ابن الزبير و الجمهور، و مدنية في قول مجاهد و قتادة و مقاتل. لما قال فيما قبلها: «أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ»، و وقع التهديد بتكرار «كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ» بين حال المؤمن و الكافر. (البحر المحيط، ج ۱۰، ص ۵۳۸)

۲. درباره مراد از این اصطلاحات و اختلاف نظر درباره تعداد آیات قبلاً در جلسه ۴۴۶ توضیحاتی ارائه شد: <http://yekaye.ir/al-muzzammil-73-1-2/>

[/73-1-2](http://yekaye.ir/al-muzzammil-73-1-2/)

۳. سوره العصر مکیه و هی ثلاث آیات بالإجماع. اختلافها: آیتان وَالْعَصْرِ غیر المکی و المدنی الأخير بِالْحَقِّ مکی و المدنی الأخير

۴. الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۹۲

و أخرج الطبرانی فی الأوسط و البیهقی فی شعب الایمان عن أبی ملیکه الدارمی و كانت له صحبة قال کان الرجلان من أصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم إذا التقیا لم یتفرقا حتی یقرأ أحدهما علی الآخر سورة وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَى آخِرِهَا ثُمَّ یسلم أحدهما علی الآخر.

۱) از امام صادق ع روایت شده است که کسی که سوره والعصر را در نمازهای مستحبی اش بخواند خداوند در روز قیامت او را محشور می کند در حالی که صورتش نورانی، و بقدری خندان است که برق دندان هایش نمایان است، و مایه چشم روشنی اوست تا وارد بهشت شود

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۲۶؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۱۴

أَبِي رِه قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَرَأَ وَالْعَصْرَ فِي نَوَافِلِهِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُشْرِقًا وَجْهَهُ ضَاحِكًا سِنَّهُ قَرِيرَةً عَيْنُهُ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ.

۲) در حدیثی که ابن بن کعب در فضیلت سوره های مختلف از پیامبر ص روایت کرده، درباره سوره عصر آمده است:

کسی که آن را بخواند خداوند وضع او را به صبر ختم نماید و روز قیامت همراه اصحاب حق باشد.

مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۱۴

فی حدیثِ ابی و من قرأها ختم الله له بالصبر و كان مع أصحاب الحق يوم القيامة.

۳) رسول اکرم ص در فرازی از خطبه ای که روز غدیر برای منصوب کردن امیرالمومنین ع خواندند، فرمودند:

بخدا سوگند که سوره عصر در مورد حضرت علی ع نازل شد.

الإحتجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص ۶۱؛ روضه الواعظین، ج ۱، ص ۹۵؛ یقین باختصاص مولانا علی ع بامر المؤمنین (ابن

طاوس)، ص ۳۵۳؛

حَدَّثَنِي السَّيِّدُ الْعَالِمُ الْعَبْدُ أَبُو جَعْفَرٍ مَهْدِيُّ بْنُ أَبِي حَرْبٍ الْحُسَيْنِيُّ الْمَرْعَشِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ الشَّيْخِ السَّعِيدِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ السَّعِيدُ الْوَالِدُ أَبُو جَعْفَرٍ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ قَالَ أَخْبَرَنِي جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكَبْرِيِّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ السُّورِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيُّ مِنْ وُلْدِ الْأَفْطَسِ وَكَانَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا سَيْفُ بْنُ عَمِيرَةَ وَصَالِحُ بْنُ عُقْبَةَ جَمِيعًا عَنْ قَيْسِ بْنِ سَمْعَانَ عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ: حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنَ الْمَدِينَةِ ... فَلَمَّا بَلَغَ غَدِيرَ حَمٍّ ... وَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَوْقَ تَلْكَ الْأَحْجَارِ وَقَالَ ص الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَّمَ بِتَوْحِيدِهِ ...

۱. سند ابن طاوس چنین است: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطَّبْرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ أَبُو مُحَمَّدٍ الدِّيَنَوْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا سَيْفُ بْنُ عَمِيرَةَ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ قَيْسِ بْنِ سَمْعَانَ عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ: حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنَ الْمَدِينَةِ ...

...^۱ وَفِي عَلِيٍّ وَاللَّهِ نَزَلَتْ سُورَةٌ وَالْعَصْرِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ...

و این مطلب که سوره عصر در مورد ایشان نازل شده، مطلبی است که مستقلا از ابن عباس و ابی بن کعب نیز نقل شده است (مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۶۱)^۲

تأمل

مرحوم طبرسی در مورد این سوره می فرماید:

و در این سوره بزرگترین دلالت بر اعجاز قرآن است: آیا نمی بینی که علی رغم اختصارش به تمامی چیزهایی که انسان در دین در مقام علم و عمل بدان نیاز دارد، دلالت نموده؛ و با تعبیر توأسی به حق و صبر، به امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به توحید و عدل و ادای واجبات و پرهیز از محرمات اشاره ای کرده است. (مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۱۵)^۳

و علامه طباطبایی نیز تاکید می کند که:

این سوره تمامی معارف قرآنی و مقاصد مختلف آن را در کوتاه ترین بیان خلاصه کرده است (المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۵)

۱. مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلِيٌّ أَنْصَرَكُمْ لِي وَ أَحَقُّكُمْ بِي وَ أَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَ أَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ وَ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ رَضِيَ إِلَّا فِيهِ وَ مَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بِدَأْبِهِ وَ لَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٌ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ وَ لَا شَهِدَ بِالْجَنَّةِ فِي هَلْ أَتَى عَلَيَّ الْإِنْسَانَ إِلَّا لَهُ وَ لَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَ لَا مَدْحَ بِهَا غَيْرَهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ هُوَ نَاصِرٌ دِينَ اللَّهِ وَ الْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَ هُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي نَبِيِّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَ وَصِيِّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ وَ بَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ مَعَاشِرَ النَّاسِ ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَ تَزَلَّ أَقْدَامُكُمْ فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ لَخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ وَ هُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَيْفَ بِكُمْ وَ أَنْتُمْ أَنْتُمْ وَ مِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيٌّ وَ لَا يَتَوَالَى عَلِيًّا إِلَّا تَقِيٌّ وَ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ

۲. الضَّحَّاكُ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ يَعْنِي أَبَا جَهْلٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ذَكَرَ عَلِيٌّ وَ سَلْمَانُ وَ يُرَوَى أَنَّهُ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي عَلِيٍّ وَ الْعَصْرِ إِلَى آخِرِهَا.

أَبِي بِنِ كُعبٍ: نَزَلَتْ وَ الْعَصْرِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَعْدَائِهِ بَيَانُهُ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا لِقَوْلِهِ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الْآيَةَ وَ قَوْلُهُ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِقَوْلِهِ تَعَالَى يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ قَوْلُهُ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ لِقَوْلِهِ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَ عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ.

۳. و في هذه السورة أعظم دلالة على إعجاز القرآن ألا ترى أنها مع قلة حروفها تدل على جميع ما يحتاج الناس إليه في الدين علما و عملا و في وجوب التواصي بالحق و الصبر إشارة إلى الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر و الدعاء إلى التوحيد و العدل و أداء الواجبات و الاجتناب عن المقبحات

ترجمه

به نام خداوند رحمت‌گستر همواره مهربان؛

سوگند به عصر

نکات ادبی

الْعَصْرِ

ماده «عصر» در اصل در سه معنای مختلف به کار رفته است: یکی فشار دادن و عصاره چیزی را گرفتن؛ دیگر در معنای زمانه و دهر؛ و سوم به معنای ملجأ و پناهگاه. (معجم المقاییس اللغة، ج ۴، ص ۳۴۰)

اما برخی بر این باورند که معنای اصلی این ماده همان معنای اول است، یا به این معنا که اصل و مبدا کاربرد این واژه در مورد فشار دادن لباس به منظور بیرون آمدن آبش بوده و بعداً با ملاحظات دیگر در مورد سایر موارد به کار رفته (مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۱۵) و یا اساساً این ماده به معنای فشار دادنی است که به منظور رسیدن به نتیجه‌ای باشد و با این ملاحظه در مورد زمانی که ثمره و نتیجه زمانهای دیگر است؛ و پناه بردن هم یک گونه در فشار قرار گرفتنی است که شخص به نتیجه‌ای برسد (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۱۴۶-۱۴۷)

«أَعَصَرَ» به معنای انجام عمل عصاره گیری است (إِنِّي أُرَانِي أَعَصِرُ خَمْرًا؛ یوسف/۳۶) که وقتی در مورد ابر به کار رود، معنایش باریدن می‌باشد، گویی عصاره ابر کشیده می‌شود؛ چنانکه «مُعَصِر» به معنای «ابر باران‌زا» به کار می‌رود (وَ أَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً نَّجَّاجًا؛ نبا/۱۴) و در قرائتی که به صورت «يُعَصِرُونَ» آمده (عَامٌّ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَ فِيهِ يَعَصِرُونَ؛ یوسف/۴۹) به همین معنای «يُمَطَّرُونَ» برایشان باران باریده می‌شود» دانسته‌اند؛ هرچند در قرائتی که به صورت «وَ فِيهِ يَعَصِرُونَ» بوده به معنای «از آن استنباط خوبی و خوشی می‌کنند» دانسته شده (معجم المقاییس اللغة، ج ۴، ص ۳۴۳؛ مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۶۹)^۲

البته برخی این احتمال را مطرح کرده‌اند که چه‌بسا اساساً این کلمات به معنای ابری باشد که با «إِعْصَارُ: باد شدیدی که گرد و غبار برپا می‌کند» باشد (فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ؛ بقره/۲۶۶) (مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۶۹)، اما دیگران بر این باورند که اساساً کاربرد «اعصار» در مورد باد به خاطر همراهی باد با ابر بوده و به خاطر همنشینی این دو کم‌کم این کلمه در مورد آن هم به کار رفته است. (معجم المقاییس اللغة، ج ۴، ص ۳۴۳)

۱. أصل العصر عصر الثوب و نحوه و هو فتله لإخراج مائه و منه عصر الدهر فإنه الوقت الذي يمكن فيه قتل الأمور كما يقتل الثوب و العصر العشي قال: (بروح بنا عمرو و قد قصر العصر / و في الروحة الأولى الغنيمه و الأجر) و العصران الغداة و العشي و العصران الليل و النهار قال: (و لن يلبث العصران يوم و ليلة / إذا طلبا أن يدركا ما تيمما)

۲. البته برخی این احتمال را مطرح کرده‌اند که چه‌بسا اساساً این کلمات به معنای ابری باشد که با «إِعْصَارُ: باد شدیدی که گرد و غبار برپا می‌کند» باشد (فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ؛ بقره/۲۶۶) (مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۶۹)، اما دیگران بر این باورند که اساساً کاربرد «اعصار» در مورد باد به خاطر همراهی باد با ابر بوده و به خاطر همنشینی این دو کم‌کم این کلمه در مورد آن هم به کار رفته است. (معجم المقاییس اللغة، ج ۴، ص ۳۴۳)

ماده «عصر» وقتی در مورد «زمان» به کار می‌رود، هم به معنای «دهر» (زمانه و روزگار) می‌تواند باشد؛ هم به معنای وقت عصر (آخر روز)؛ (و تعبیر «عصران» به «شب و روز» گفته می‌شود) و در این آیه (و الْعَصْرِ)، هم احتمال این دو معنا، و هم احتمال معنای «پناهگاه» را مطرح کرده‌اند. (مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۶۹)

ماده «عصر» جمعا همین ۵ مورد در قرآن کریم آمده است.

اختلاف قرائت^۱

در کتب اهل سنت، در قرائتی منسوب به حضرت علی ع، بعد از «والعصر» عبارت «و نواب الدهر» هم قرائت می‌شده است. (الفریابی و عبد بن حمید و ابن جریر و ابن المنذر و ابن الأنباری و الحاکم، به نقل از الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۹۲)^۲

و در برخی از آن کتب مستقیماً این قرائت را از خود پیامبر ص نقل کرده‌اند (مفاتیح الغیب (فخر رازی)، ج ۳۲، ص ۲۷۷)^۳

حدیث

۱) ابن عباس یکی از کسانی است که خطبه غدیر را از رسول الله ص روایت کرده است. در فرازی از روایت وی آمده که رسول الله ص فرمودند:

و هیچ آیه‌ای نازل نشد که خداوند مومنان را خطاب قرار دهد مگر اینکه به او [علی ع] آغاز شد [یعنی اولین مخاطب خدا هر جا فرمود «یا ایها الذین آمنوا»، حضرت علی ع بود]، و خداوند در سوره «هل اتی» [=سوره انسان] برای کسی جز او بر رفتن به بهشت شهادت نداد و آن را جز در مورد دودمان او نازل نفرمود؛ هر پیامبری دودمانش از صلب خودش است و دودمان من از صلب علی ع است؛ جز شخص کسی از علی ع نفرت ندارد و جز فرد متقی کسی به ولایت علی ع تن ندهد؛ و سوره عصر در مورد حضرت علی ع نازل شد و تفسیرش چنین است:

قسم به پروردگار عصر قیامت؛ همانا انسان واقعاً در زیان است؛ یعنی دشمنان آل محمد؛ و مگر کسانی که ایمان آوردند به ولایت آنها؛ و کارهای شایسته کردند با برادری کردن در حق برادرانشان، و به صبر توصیه نمودند در غیبت [امام] غایبشان.

إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۲۴۶

قَالَ مَسْعُودُ السَّجِسْتَانِيُّ فِي كِتَابِ الدَّرَائِبَةِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ، فَنَزَلَ جَحْفَةَ أَتَاهُ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... قَالَ صَاحِبُ كِتَابِ النَّشْرِ وَالطَّلِي فِي تَمَامِ حَدِيثِهِ مَا هَذَا لَفْظُهُ: ...

۱. قرأ سلام: و العصر بكسر الصاد، و الصبر بكسر الباء. قال ابن عطية: و هذا لا يجوز إلا في الوقف على نقل الحركة. و روى عن أبي عمرو: بالصبر بكسر الباء إشماما، و هذا أيضا لا يكون إلا في الوقف، انتهى.

و في الكامل للزهلي: و العصر، و الصبر، و الفجر، و الوتر، بكسر ما قبل الساكن في هذه كلها هارون و ابن موسى عن أبي عمرو و الباقر: بالإسكان كالجماعة، انتهى. (البحر المحيط، ج ۱۰، ص ۵۳۹)

۲. و أخرج الفریابی و عبد بن حمید و ابن جریر و ابن المنذر و ابن الأنباری فی المصاحف و الحاکم عن علی بن أبی طالب انه كان یقرأ و العَصْرِ و نواب الدهر إن الإنسان لَفِي خُسْرٍ و انه لفيه إلى آخر الدهر

۳. روى عن النبي صلى الله عليه [و آله] و سلم أنه أقسم بالدهر، و كان عليه السلام يقرأ: و العصر و نواب الدهر

وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ خَاطَبَ اللَّهُ بِهَا الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا بَدَأَ بِهِ وَكَانَ شَهِدَ اللَّهُ بِالْحَنَّةِ فِي هَلْ أَتَىٰ إِلَّا لَهُ وَكَانَ أَنْزَلَهَا فِي غَيْرِهِ ذُرِّيَّةً كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيٌّ وَلَا يُوَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيٌّ وَفِي عَلِيٍّ نَزَلَتْ وَالْعَصْرُ وَتَفْسِيرُهَا وَرَبُّ الْعَصْرِ الْقِيَامَةُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا بَوَلَايَتِهِمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِمُؤَسَّاتِهِمْ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ فِي غَيْبَةِ غَائِبِهِمْ

۲) اَبی بن کعب می گوید: بر رسول الله ص «وَالْعَصْرُ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» را قرائت کردم و گفتم: پدر و مادرت به فدایت یا رسول الله! تفسیرش چیست؟

فرمود: والعصر سوگندی است از جانب خداوند، که پروردگارتان به آخر روز [وقت عصر] سوگند خورد؛ «همانا انسان واقعاً در زیان است» مصداق [بارز] آن ابوجهل است و «همدیگر را توصیه کردند به صبر» یعنی به علی ع.

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۴۸۰-۴۸۱

قَالَ [أَبُو الْحَسَنِ الْفَارِسِيُّ] حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْعَبَّاسِ الْوَرَكِيُّ حَدَّثَنَا أَبُو زَكَرِيَّا أَسَدُ بْنُ رُسْتَمٍ حَدَّثَنَا مَنْصُورُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَطْرَفٍ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَزَّازِ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْحَافِظُ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلْقَمَةَ حَدَّثَنَا أُسْبَاطُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ رَفِيعَةَ عَنِ أَبِي أُمَامَةَ [صَدَىِّ بْنِ عَجَلَانَ] عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ قَالَ: قَرَأْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص: وَالْعَصْرُ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ فَقُلْتُ: بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا تَفْسِيرُهَا فَقَالَ: وَالْعَصْرُ قَسَمٌ مِنَ اللَّهِ، أَقْسَمَ رَبُّكُمْ بِأَخْرِ النَّهَارِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ [وَهُوَ] أَبُو جَهْلٍ بْنُ هِشَامٍ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ [هُوَ] عَلِيٌّ.

حَدَّثَنِي حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرٍ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَثْمَانَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِرَانَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْمُغِيرَةِ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمَدَائِنِيُّ حَدَّثَنَا نُعَيْمُ بْنُ حَمَّادٍ حَدَّثَنَا ضَمْرَةُ بْنُ رَبِيعَةَ، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عَمْرٍو الشَّيْبَانِيِّ، عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي أُمَامَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي بِنِ كَعْبٍ قَالَ: قَرَأْتُ عَلَى النَّبِيِّ ص: وَالْعَصْرُ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ أَبُو جَهْلٍ بْنُ هِشَامٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

تدبر

(۱) «وَالْعَصْرُ»

درباره اینکه مراد از «عصر» چیست، هم در روایات و هم نزد مفسران، نظرات متعددی ابراز شده که با توجه به قاعده امکان استفاده از یک لفظ در چند معنا، احتمال دارد همه اینها مورد نظر بوده باشد؛ که البته ادامه سوره نیز باید متناسب با همان معنا فهمیده شود.

برخی از آن معانی چنین است:

الف. «دهر» و زمانه؛ از این جهت که گذر شب و روز و ایام مایه عبرتی برای صاحبان بصیرت است (ابن عباس و کلبی و

جبائی؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۱۵) برای پی بردن به قدرت خداوند در ربوبیت عالم (المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۶)

ب. هنگام عصر (اواخر روز) (حدیث ۲؛ و نیز ابن عباس، به نقل از الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۳۹۲)؛

که درباره چرایی آن توضیحات مختلفی ارائه شده است:

ب. ۱. از این جهت به یک طرف روز سوگند خورده، که با رفتن روز و آمدن شب، دلیلی بر وحدانیت خداوند متعال

است* همان گونه که به «ضحی» (آغاز روز) سوگند خورد و آن طرف دیگر روز است و هنگام آمدن خورشید و روی آوردن

روز است؛ و پیروان ادیان الهی این دو وقت را مهم می‌شمردند (حسن و قتاده؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۱۵)

ب. ۲. پایان روز وقتی است که کسب و کارها به پایان می‌رسد؛ و اگر کسی در روزش کاسبی نکرده باشد، هنگام شب

نزد اهل و عیال شرمنده می‌شود؛ این عصر هم اشاره است به عصر دنیا، که وقت قیامت نزدیک می‌شود و اگر خودت را آماده

نکرده باشی، بشدت زینکار خواهی بود. (حسن بصری، به نقل از مفاتیح الغیب، ج ۳۲، ص ۲۷۸)^۲

ج. نماز عصر؛ که همان «الصَّلَاةُ الْوُسْطَى» (بقره/۲۳۸) است که مورد اهتمام ویژه است (مقاتل؛ به نقل از مجمع البیان،

ج ۱۰، ص ۸۱۵)

د. شب و روز؛ چنانکه در لغت تعبیر «عصران» برای اشاره به شب و روز با همدیگر، به کار می‌رود. (ابن کیسان؛ به نقل

از مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۱۵)

ه. عصر و زمانه طلوع اسلام؛ چون آیات بعد ناظر به خسران عمومی‌ای است که همگان را غیر از کسانی که پیرو حق

باشند و بر آن شکیبایی ورزند شامل می‌شود و این با طلوع اسلام و ظهور حق بر باطل است که امکان چنین وضعیتی را میسر

می‌کند سازگار است. (المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۵)

و. عصر ظهور امام زمان ع؛ بر اساس برخی روایات (جلسه بعد، حدیث ۱) و از آن جهت که ظهور حق بر باطل به کمال

خود می‌رسد. (المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۶)

ز. زمان و هنگامه قیامت (حدیث ۱)؛ احتمالاً از این جهت که خسران واقعی عده‌ای و رستگاری مومنان واقعی نمایان

می‌شود.

۱. أخرج ابن المنذر عن ابن عباس وَ الْعَصْرُ قَالَ سَاعَةٌ مِنْ سَاعَاتِ النَّهَارِ

وَ أَخْرَجَ ابْنُ الْمُنْذِرِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ الْعَصْرُ قَالَ هُوَ مَا قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ مِنَ الْعِشِيِّ

وَ أَخْرَجَ عَبْدُ الرَّزَّاقِ وَ ابْنُ جُرَيْرٍ وَ ابْنُ الْمُنْذِرِ وَ ابْنُ أَبِي حَاتِمٍ عَنْ قَتَادَةَ فِي قَوْلِهِ وَ الْعَصْرُ قَالَ سَاعَةٌ مِنْ سَاعَاتِ النَّهَارِ وَ فِي قَوْلِهِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ

قَالَ كِتَابُ اللَّهِ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ قَالَ طَاعَةَ اللَّهِ

۲. قَالَ الْحَسَنُ رَحِمَهُ اللَّهُ: إِنَّمَا أَقْسَمُ بِهَذَا الْوَقْتِ تَنْبِيْهَا عَلَى أَنْ الْأَسْوَاقَ قَدْ دَنَا وَقْتُ انْقِطَاعِهَا وَ انْتِهَاءِ التِّجَارَةِ وَ الْكَسْبِ فِيهَا، فَإِذَا لَمْ تَكْتَسِبْ وَ دَخَلْتَ

الدَّارَ وَ طَافَ الْعِبَالُ عَلَيْكَ يَسْأَلُكَ كُلُّ أَحَدٍ مَا هُوَ حَقُّهُ فَحِينَئِذٍ تَخْجَلُ فَتُكْوَنُ مِنَ الْخَاسِرِينَ، فَكَذَا نَقُولُ: وَ الْعَصْرُ أَيُّ عَصْرِ الدُّنْيَا قَدْ دَنَتْ الْقِيَامَةُ وَ [أَنْتَ] بَعْدَ

لَمْ تَسْتَعِدْ وَ تَعْلَمُ أَنَّكَ تَسْأَلُ غَدَاً عَنِ النَّعِيمِ الَّذِي كُنْتَ فِيهِ فِي دُنْيَاكَ، وَ تَسْأَلُ فِي مَعَامَلَتِكَ مَعَ الْخَلْقِ وَ كُلِّ أَحَدٍ مِنَ الْمَظْلُومِينَ يَدْعِي مَا عَلَيْكَ فَإِذَا أَنْتَ

خَاسِرٌ.

ح. ملجأ و پناهگاه (مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۶۹)؛ در واقع سوگند می خورد به پناهگاهی که اگر انسان برای خود در پیش نگیرد، در زیان خواهد بود.

و. اصل واژه «عصر» به معنای تحت فشار قرار گرفتن به منظور رسیدن به نتیجه مطلوب است؛ و این سوره از طرفی در زمانه شدت ابتلائات مسلمانان در مکه که فشارها بر آنان به اوج خود رسیده بود نازل شده، و تعبیر «وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ» نیز بر این وضعیت سخت دلالت دارد؛ (و در واقع، چنین «عصر»ی (فشار و سختی برای رسیدن به وضع مطلوب) منشا هر خیر و صلاحی است و جز با آن به درجات رفیع نمی توان رسید) و از طرف دیگر عصاره گیری ای در زمان است چرا که این زمان بعثت پیامبر ص است که او و بعثتش از بزرگترین نعمت های خداوند بر انسانها می باشند که قدرناشناسی آن موجب خسران همیشگی است. (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۱۴۷)^۱

ز. ...

*پی نوشت:

رفتن روز و آمدن شب، ظاهرا از این جهت دلیلی بر وحدانیت خداوند متعال است که دو امر کاملا متضاد (یکی ظلمت محض و دیگری روشنایی کامل) کاملا در ارتباط با هم عمل می کنند؛ پس تدبیر واحدی بر این دو امر کاملا متضاد حاکم است.

۱. أن الأصل الواحد في المادة: هو ضغط في شيء لتحصيل نتيجة منظورة ... «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا» هذه السورة المباركة نزلت في مكة حين شدة الابتلاء بتعرض الأعداء من قريش، و في زمان اشتدت العداوة و البغضاء و الضغطة منهم على النبي (ص) و المسلمين، و ذلك لتوغلهم في الحياة الدنيا و الشهوات و الانحرافات الفكرية و العملية، و يشار الى هذا في السورة قبلها - آلهامُ التكاثر، و فيما بعدها - وَيَلْ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٌ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَدَهُ. فكان المسلمون يطلبون الحقّ و يسلكون الى الحقيقة و يعملون الصالحات و يتواصون بالحقّ و يتواصون بالصبر كما في السورة. فهم فيما بين هؤلاء الكفار يتحملون الشدائد و الأذى و التعدّي و كانوا في اعتصار في المعيشة الظاهرية و في ضغطة منهم. و هذا هو من مصاديق العصر، و يدلّ على هذا المعنى جملة - و تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ - في خاتمة السورة، أي التحمّل على الأذى و التّصبر و الاستقامة على الحقّ و في الحقّ. و لا يخفى أن العَصْرَ منشأ كلّ خير و سبب كلّ صلاح و فلاح، و لا ينال أحد مرتبة رفيعة ألا بالعصر، فإنّ الاعتصار هو الموجب لاتخاذ العصاره و الخالص الصافي من كلّ شيء، في امور مادية أو معنوية. و قد ورد - أَنْ أَشَدَّ النَّاسِ ابْتِلَاءَ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ الْأَمْتَلُ فَأَلْأَمْتَلُ. فَإِنَّ التَّبْتُلَ عَنِ النَّاسِ وَ الزَّهْدَ فِي الدُّنْيَا وَ النَّزْوَعَ عَنِ شَهَوَاتِهَا وَ السَّلُوكَ خِلَافَ مَسَالِكِ الْعَامَّةِ فِي الْعَمَلِ وَ الْآدَابِ وَ الرِّسُومِ وَ الْأَفْكَارِ وَ الْأَخْلَاقِ وَ الْعِشْرَةِ: يجرّ أنواعا من الابتلاءات و التضييق. مضافا الى اعتصار اختيارية بسبب مجاهدات و رياضات في طريق السلوك الى مقصده - و من طلب العلى سهر الليالي.

و في هذا العصر: اعتصار آخر من جهة الزمان و هو زمان النبي (ص)، فهم في نعمة على نعمة و توفيق من الله عزّ و جلّ على توفيق و نور على نور، يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ، و لا توفيق أعلى من هذا. فظهر أنّ خسران الإنسان في سلوكه على اقتضاء الجريان الطبيعي المادي من دون أن يتوجّه الى جهة روحانيته و معنويته - حتّى يقع في مضيقه مادية و اعتصار، بسبب الزهد و التقوى في الدنيا. فالاعتصار أنّما يحصل بحقيقة - آمَنُوا وَ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ * - أي تحقّق الايمان القاطع، و الأعمال الصالحات خالصة.

ترجمه

همانا انسان واقعاً در زیان است.

نکات ادبی

الْإِنْسَانَ

قبلا اشاره شد که برخی «انسان» را از ماده «نسی» دانسته‌اند.

جلسه ۹۴ <http://yekaye.ir/ta-ha-020-115>

اما همچنین توضیح داده شد که اغلب، کلمه «انسان» را از ماده «انس» و هم‌معنی «انس» دانسته‌اند که جمع آن «اناسی» (فرقان/۴۹) و «اناس» (اعراف/۸۲) می‌باشد.

ماده «انس» را در اصل به معنای ظهور و آشکار شدنی که همراه با آرامش باشد دانسته و گفته‌اند به «انسان» در مقابل «جنیان»، «انس» می‌گویند، چون آنها مخفی‌اند و نمی‌شود با آنها مانوس شد و احساس آرامش کرد؛ اما انسان آشکار است و می‌توان با او انس گرفت. به تعبیر دیگر، این ماده دلالت می‌کند بر نزدیک شدن همراه با ظاهر و آشکار شدنی است به منظور رسیدن به انس و آرامش می‌باشد. در واقع، «انس» نقطه مقابل «نفرت» و «وحشت» است؛ و به امر منسوب به انسان، و هر چیزی که در جانب انسان باشد [و آرامش به همراه بیاورد] «انسی» می‌گویند که چیزی که نقطه مقابل باشد «وحشی» گفته می‌شود.

جلسه ۵۴۲ <http://yekaye.ir/al-ahzab-33-53/>

چون در آیه بعد استثنایی از انسان صورت گرفته است، بسیاری از مفسران کلمه «الانسان» در این آیه در معنای جمع (به معنای عموم انسان‌ها) دانسته‌اند (مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۱۵) و از این رو آن را اسم جنس قلمداد کرده‌اند که دلالت بر نوع انسان می‌کند، و از این جهت شامل همه انسانها می‌شود. (البحر المحیط، ج ۱۰، ص ۵۳۹؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۶)

البته در برخی احادیث این انسان را شخص معینی معرفی کرده‌اند (مثلاً: جلسه قبل، حدیث ۲) و بر این اساس، برخی احتمال داده‌اند که «الف و لام» انسان، الف و لام عهد باشد (یعنی «آن انسان») و اشخاص متعددی را به عنوان مصداق چنین شخصی نام برده و روایت کرده‌اند که آنان می‌گفتند: همانا محمد ص در زیان است؛ و خداوند سوگند یاد کرد که خودشان در زیان‌اند» (مفاتیح الغیب، ج ۳۲، ص ۲۷۹)^۱

۱. الألف و اللام فی الإنسان، یحتمل أن تكون للجنس، و أن تكون للمجهود السابق، فلماذا ذكر المفسرون فيه قولین الأول: أن المراد منه الجنس و هو كقولهم: كثر الدرهم فی أیدی الناس، و يدل علی هذا القول استثناء الذین آمنوا من الإنسان و القول الثانی: المراد منه شخص معین، قال ابن عباس: یرید جماعة من المشركین كالولید بن المغیره، و العاص بن وائل، و الأسود بن عبد المطلب. و قال مقاتل: نزلت فی أبی لهب، و فی خبر مرفوع/ إنه أبو جهل، و روی أن هؤلاء كانوا یقولون: إن محمداً لفی خسرة، فأقسم تعالی أن الأمر بالضد مما توهمون

قبلاً بیان شد که ماده «خسر» است در اصل دلالت بر نقصی دارد که بر سرمایه انسان وارد شود؛ خواه سرمایه مادی (مال التجاره) و یا سرمایه وجودی و جان خود آدمی؛ و در قرآن کریم از ۶۵ مورد استفاده از مشتقات این ماده، تنها سه موردش در معنای ضرر مادی به کار رفته است (أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ؛ شعرا/۱۸۱؛ وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ، الرحمن/۹؛ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ، مطففین/۳). معادل فارسی آن، «زیان» و در نقطه مقابل «سود» (ربح) است و از این جهت با «ضرر» که در مقابل «نفع» است، متفاوت می‌باشد.

برخی توضیح داده‌اند که در زبان عربی برای از دست دادن سرمایه دو تعبیر به کار می‌رود: وقتی مقدار محدودی از سرمایه را از دست داده باشد «وضیعه» می‌گویند و وقتی کل سرمایه را ضرر کرده باشد «خسران» می‌گویند (هرچند کم‌کم خسران در مورد «مقداری از سرمایه» هم به کار رفته است)؛ و ظاهراً به همین جهت است که اصل خسران را هلاکت هم دانسته‌اند.

جلسه ۲۴۳ <http://yekave.ir/al-aaraf-7-22-2/>

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ

این تعبیر، حاوی تأکیدات فراوانی است. واضح‌ترین این تأکیدات عبارتند از:

بیان مطلب در قالب جمله اسمیه،

آوردن حرف إن،

آوردن لام مزحلقه (إعراب القرآن الکریم، ج ۳، ص ۴۶۷) که برخی آن را لام قسم هم دانسته‌اند (الجدول فی إعراب القرآن،

ج ۳۰، ص ۴۰۰)

تنوین «خسر»، که آن را تنوین دال بر تعظیم (عظیم شمردن واقعه) و یا تنوین (انواع مختلف خسران) دانسته‌اند. (المیزان،

ج ۲۰، ص ۳۵۶)^۱

۱. و التنكير في «خُسْرٍ» للتعظيم و يحتمل التنويع أي في نوع من الخسر غير الخسارات المالية و الجاهية قال تعالى: «الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» الزمر ۱۵

در مصحف ابن مسعود عبارت «وَأَنَّهُ فِيهِ إِلَى آخِرِ الدَّهْرِ» نیز در ادامه این آیه قرائت می‌شده و و نیز در برخی نقل‌هایی که از امیرالمومنین ع، ابن عباس، و امام صادق ع ذکر شده، آنها نیز گاه آیه را بدین صورت قرائت کرده‌اند، که این تعبیر یکی از مصادیق اختلاف قرائت می‌باشد. (مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۸۱۵؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۴۱؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۹۲)

توضیحی درباره دامنه اختلاف قرائت

قبلا درباره اختلاف قرائت توضیحاتی گذشت و بیان شد که این قرائت متعدد همگی از جانب جبرئیل بر شخص پیامبر ص نازل شده است؛ بویژه در جلسه ۶۶۰ <http://yekave.ir/al-kaHF-18-79>

چنانکه اشاره شد عثمان در جریان یکسان‌سازی مصاحف، دستور داد سایر مصاحف را - که مشتمل بر قرائت دیگر قرآن بود- بسوزانند و نابود کنند. این مسعود از کسانی بود که بشدت در مقابل این جریان ایستاد. وی با اینکه مصحف تهیه شده توسط عثمان را به عنوان اینکه مشتمل بر برخی از قرائت است، قبول داشت (و برای همین در سلسله قرائت سبعة‌ای که امروزه برای ما متواتر است، نام وی بارها شنیده می‌شود)، اما خودش هم قبل از آماده شدن مصحف عثمان، مصحفی بر اساس برخی دیگر از قرائاتی که از پیامبر ص شنیده بود آماده کرده بود که آن را هم تعلیم می‌داد، به طوری که به نقل اعمش، در کوفه تا قبل از آمدن حجاج بن یوسف ثقفی، قرائت ابن مسعود بسیار رایجتر از قرائت مصحف عثمانی (که اکنون در دست ماست) بود؛ و همچنین نسخه‌هایی از آن تا قرن سوم و چهارم در دست بسیاری از مسلمانان باقی بود؛ که با اقدامات ابن مجاهد با پشتوانه حکومتی، عملا این نسخه‌ها محو و از دسترس بیرون آمد؛ با این حال بسیاری از مفسران، در کتب تفسیری خود، مواردی از قرائت وی را آورده‌اند که این مورد، یکی از آنهاست که در بسیاری از کتب تفسیری شیعه و سنی ذکر شده است. و شیعیان مستقلا این عبارت را از امیرالمومنین ع و امام صادق ع به عنوان یکی از قرائت نقل کرده‌اند. متأسفانه در دو سه قرن اخیر و به خاطر رواج صنعت چاپ، یکسان‌سازی مصاحف شدیدتر شد و حتی در میان بزرگان نیز فهم نادرستی از این قرائت شکل گرفت تا حدی که برخی به غلط اینها را به عنوان روایات تحریف قرآن قلمداد کردند؛ و متأسفانه برخی از اهل سنت هم از این فضا حداکثر سوءاستفاده را کردند و شیعه را به خاطر همین روایات به تحریف قرآن متهم کردند؛ در حالی که

۱. قیل أن فی قراءۃ ابن مسعود و العصر إن الإنسان لفی خسر و أنه فیہ إلی آخر الدهر و روی ذلک عن علی (ع)

۲. قرأ أبو عبد الله ع و العصر إن الإنسان لفی خسر و أنه فیہ إلی آخر الدهر إلی الذین آمنوا و عملوا الصالحات و اتقوا بالتقوی و اتقوا بالصبر.

۳. أخرج الفریابی و عبد بن حمید و ابن جریر و ابن المنذر و ابن الأبار فی المصاحف و الحاکم عن علی بن أبی طالب انه کان یقرأ و العصر و

نواب الدهر إن الإنسان لفی خسر و انه لفیہ إلی آخر الدهر

و أخرج عبد بن حمید عن إسماعیل بن عبد الملك قال سمعت سعید بن جبیر یقرأ قراءۃ ابن مسعود و العصر إن الإنسان لفی خسر و انه لفیہ إلی

آخر الدهر إلی الذین آمنوا و عملوا الصالحات

و أخرج عبد بن حمید عن ابراهیم قال قرأنا و العصر إن الإنسان لفی خسر و انه لفیہ إلی آخر الدهر إلی الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا

بالحق و تواصوا بالصبر ذکر انها فی قراءۃ عبد الله بن مسعود

و أخرج عبد بن حمید عن حوشب قال أرسل بشر بن مروان إلی عبد الله بن عتبة بن مسعود فقال کیف کان ابن مسعود یقرأ و العصر فقال و العصر

إن الإنسان لفی خسر و هو فیہ إلی آخر الدهر فقال له بشر هو یکفر به فقال عبد الله لکنی أومن به.

روایاتی این چنین بسیار بیش از آنکه در متون حدیثی و تفسیری شیعه آمده باشد در متون حدیثی و تفسیری خود اهل سنت موجود است.

حدیث

۱) مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق ع درباره «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» سوال کردم. فرمود: «این «عصر» عصر و زمانه قیام قائم عج است؛ «همانا انسان واقعاً در زیان است» یعنی دشمنان ما؛ «مگر کسانی که ایمان آوردند» یعنی به ولایت ما؛ «و کارهای شایسته کردند» یعنی به برادری کردن در حق برادران؛ «و یکدیگر را به حق توصیه کردند» یعنی به امامت؛ و «همدیگر را به صبر سفارش کردند» یعنی در دوره فترت [= دوره فاصله‌ای که امام ع در دسترس نیست، دوره غیبت]

کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص: ۶۵۶؛ العدد القویة لدفع المخاوف اليومية (علامه حلی)، ص: ۶۷

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَاضِي وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ شَاذَوَيْهِ الْمُؤَدَّبُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ جَامِعِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ الدَّقَّاقِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ قَالَ ع الْعَصْرُ عَصْرُ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ يَعْنِي أَعْدَاءَنَا إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا يَعْنِي بَايَاتَنَا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَعْنِي بِمُؤَاسَاةِ الْإِحْوَانِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ يَعْنِي بِالْإِمَامَةِ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ يَعْنِي فِي الْفِتْرَةِ.^۱

۲) از امیرالمومنین ع روایت شده است:

زیانکارترین مردم کسی است که به جای آخرت، به دنیا رضایت دهد.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص ۱۴۰

وَ قَالَ ع:

أَخْسَرُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ الدُّنْيَا [بِالدُّنْيَا] عِوَضًا عَنِ الْآخِرَةِ.

۱. درباره خسران این روایت که در التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص ۶۱۸ آمده نیز قابل توجه است:

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع ... فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ [الْمُنْتَحِلِينَ لِمَحَبَّتِنَا] وَ يَاكُمْ وَ الذُّنُوبَ الَّتِي قَلَّ مَا أَصَرَ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا إِلَّا آدَاهُ إِلَى الْخِذْلَانِ الْمُؤَدَّى إِلَى الْخُرُوجِ عَنِ وِلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الطَّيِّبِينَ مِنَ الْهَمَاءِ، وَ الدُّخُولِ فِي مَوَالِدِهِ أَعْدَائِهِمَا، فَإِنَّ مَنْ أَصَرَ عَلَى ذَلِكَ فَادَى خِذْلَانُهُ إِلَى الشَّقَاءِ الْأَشَقَى مِنْ مُفَارَقَةِ وِلَايَةِ سَيِّدِ أَوْلَى النَّهْيِ، فَهُوَ مِنْ أَخْسَرِ الْخَاسِرِينَ.

قَالُوا: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَا الذُّنُوبُ الْمُؤَدِّيَةُ إِلَى الْخِذْلَانِ الْعَظِيمِ قَالَ: ظُلْمُكُمْ لِإِحْوَانِكُمُ الَّذِينَ هُمْ لَكُمْ فِي تَفْضِيلِ عَلِيٍّ ع، وَ الْقَوْلُ بِإِمَامَتِهِ، وَ إِمَامَةٌ مِنْ أَنْجَبِهِ [اللَّهُ] مِنْ ذُرِّيَّتِهِ مُوَافِقُونَ وَ مُعَاوَنَتُكُمْ النَّاصِيِينَ عَلَيْهِمْ، وَ لَا تَغْتَرُّوا بِحِلْمِ اللَّهِ عَنْكُمْ، وَ طُولِ إِمِهَالِهِ لَكُمْ، فَتَكُونُوا كَمَنْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ أَكْفَرُ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

(۳) از امیرالمومنین ع روایت شده است:

همان زیانکارترین مردم و کسی که بیش از همه سعی و تلاشش به هدر رفته است، کسی است که بدنش را در طلب آرزوهایش [یا: در طلب مال] به زحمت می‌اندازد ولی اوضاع و احوال او را بر آنچه می‌خواهد یاری نکنند؛ پس از دنیا با حسرت بیرون رود و در آخرت با عواقب کارش مواجه شود.

نهج البلاغه، حکمت ۴۳۰؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۶۷

وَقَالَ ع: إِنَّ أَحْسَرَ النَّاسِ صَفْقَةً وَ أَخْيَبَهُمْ سَعْيًا رَجُلٌ أَخْلَقَ بَدَنَهُ فِي طَلَبِ آمَالِهِ [مَالِهِ] وَ لَمْ تُسَاعِدْهُ الْمَقَادِيرُ عَلَى إِرَادَتِهِ فَخَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا بِحَسْرَتِهِ وَ قَدِمَ عَلَى الْآخِرَةِ بِتَبِعَتِهِ.

(۴) از امام صادق ع روایت شده است:

کسی که دو روزش مساوی باشد مغبون (زیان دیده) است؛ و کسی که روز دومش بدتر باشد ملعون (لعنت شده) است؛ و کسی که زیادتی در خویش نیابد رو به نقصان دارد، و کسی که رو به نقصان دارد، مرگ برایش بهتر از زندگی است.

الأمالی (للسدوق)، ص ۶۶۸

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْمُتَمِّلِ الدَّقَاقُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ ع مَنْ اسْتَوَى يَوْمَاهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ وَ مَنْ كَانَ آخِرَ يَوْمِيهِ شَرِّهِمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ أَقْرَبَ وَ مَنْ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ أَقْرَبَ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ ۱

تدبر

(۱) «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»

خداوند متعال با آوردن تاکیدات متعدد (جمله اسمیه، آوردن حرف إن، و آوردن لام مزحلقة) اصرار دارد که به انسان هشدار دهد که در زیان غوطه‌ور است.

چرا انسان در زیان است؟

۱. این دو روایت هم در همین راستا قابل توجه است:

زَيْدٌ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ اسْتَوَى يَوْمَاهُ مَغْبُونٌ، وَ مَنْ كَانَ يَوْمُهُ الَّذِي هُوَ فِيهِ خَيْرًا مِنْ أَمْسِهِ الَّذِي ارْتَحَلَ عَنْهُ فَهُوَ مَغْبُوطٌ

(الأصول الستة عشر، ص ۱۲۶)

رَوَى لِي مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَعِيدِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ الْقَاسِمِ قِرَاءَةً قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْمُعَلِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بَكْرِ الْمُرَادِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ بَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسٌ مَعَ أَصْحَابِهِ يُعِيبُهُمْ لِلْحَرْبِ إِذَا آتَاهُ شَيْخٌ عَلَيْهِ شَحْبَةُ السَّفَرِ فَقَالَ أَيْنَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَقِيلَ هُوَ ذَا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ يَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أَتَيْتُكَ مِنْ نَاحِيَةِ الشَّامِ وَ أَنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ قَدْ سَمِعْتُ فِيكَ مِنَ الْفَضْلِ مَا لَا أَحْصِي وَ إِنِّي أَظُنُّكَ سَتُغْتَالُ فَعَلِمَنِي مِمَّا عَلَّمَكَ اللَّهُ قَالَ نَعَمْ يَا شَيْخُ مِنْ اعْتَدَلَ يَوْمَاهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ وَ مَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هَمَّتْهُ أَشَدَّتْ حَسْرَتُهُ عِنْدَ فِرَاقِهَا وَ مَنْ كَانَ غَدَهُ شَرَّ يَوْمِيهِ فَهُوَ مُحْرَمٌ وَ مَنْ لَمْ يُبَالِ بِمَا رُزِيَ مِنْ آخِرَتِهِ إِذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْيَاهُ فَهُوَ هَالِكٌ وَ مَنْ لَمْ يَتَعَاهَدِ النُّقْصَانَ مِنْ نَفْسِهِ غَلَبَ عَلَيْهِ الْهُوَى وَ مَنْ كَانَ فِي نَقْصِ الْفَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ ... (من لا يحضره

الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۲)

الف. چون انسان سرمایه‌ای دارد به نام عمر که گذر زمان، دائماً دارد از این سرمایه می‌کاهد. برای همین، اگر کسی فقط در حالت قبلی خود بماند و در ظاهر چیزی را از دست ندهد، زیانکار است (حدیث ۴). (مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۱۵؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۶)

حکایت

فخر رازی از قول برخی از بزرگان حکایت کرده:

معنای این آیه را از یخ‌فروشی یاد گرفتم که فریاد می‌زد «رحم کنید بر کسی که سرمایه‌اش دارد آب می‌شود؛ این معنای «ان الانسان لفي خسر» است: روزگار بر انسان می‌گذرد و عمرش سپری می‌شود ولی چیزی به دست نیاورده است و در حال زیان است. (مفاتیح الغیب، ج ۳۲، ص ۲۷۸)^۲

ب. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که ابلیسی وجود دارد با توانایی‌های فراوان، که سوگند خورده همه ما را گمراه و جهنمی کند. در این عرصه، هرکس که به دامن ایمان و عمل صالح پناه نبرد، حتماً شیطان بر او مستولی می‌گردد و وی را زیانکار خواهد نمود.

ج. ...

۱. أنه لفي نقصان لأنه ينقص عمره كل يوم و هو رأس ماله فإذا ذهب رأس ماله و لم يكتسب به الطاعة يكون على نقصان طول دهره و خسران إذ لا خسران أعظم من استحقاق العقاب الدائم

۲. عن بعض السلف: تعلمت معنى السورة من بائع الثلج كان يصيح و يقول: ارحموا من يذوب رأس ماله، ارحموا من يذوب رأس ماله فقلت: هذا معنى إن الإنسان لفي خسر يمر به العصر فيمضي عمره و لا يكتسب فإذا هو خاسر

ترجمه

مگر کسانی که ایمان آوردند و شایسته‌ها انجام دادند و همدیگر را به حق توصیه، و یکدیگر را به صبر سفارش کردند.

اختلاف قرائت^۱

«بِالصَّبْرِ» (و نیز «وَالْعَصْرِ») را عموماً به همین صورت قرائت کرده‌اند، اما در قرائت کمتر مشهوری (سلام، و نیز قرائت ابو عمرو در وقف) به صورت «بِالصَّبْرِ» (و نیز «وَالْعَصْرِ») نیز قرائت شده است (البحر المحيط، ج ۱۰، ص ۵۳۹).^۲

حدیث

۱) از امام صادق ع در توضیح این آیات «مگر کسانی که ایمان آوردند و شایسته‌ها انجام دادند و همدیگر را به حق توصیه، و یکدیگر را به صبر سفارش کردند.» روایت شده است:

برگزیدگان از مخلوقانش را استثنا کرد هنگامی که فرمود «همانا انسان واقعاً در زیان است؛ مگر کسانی که ایمان آوردند» به ولایت حضرت علی، امیرالمومنین ع [و کارهای شایسته انجام دادند] یعنی واجبات را ادا کردند] «و توصیه کردند به حق» یعنی دودمانشان و کسانی را که در پی آمدند، به ولایت [توصیه کردند]؛ و بدان توصیه کردند و بر آن صبر نمودند.

تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۴۱؛ تفسیر فرات الکوفی، ص ۳۶۰۷

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ: إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ فَقَالَ: اسْتَشْنَى أَهْلَ صِفْوَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ حَيْثُ قَالَ: إِنَّ

۱. در تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۴۱ آمده است:

قَرَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ وَأَنَّهُ فِيهِ إِلَى آخِرِ الدَّهْرِ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَاتَّقُوا بِاللَّتَقْوَى وَاتَّمَرُوا بِالصَّبْرِ.

۲. قرأ سلام: والعصر بكسر الصاد، والصبر بكسر الباء. قال ابن عطية: وهذا لا يجوز إلا في الوقف على نقل الحركة. وروى عن أبي عمرو: بالصبر بكسر الباء إشماماً، وهذا أيضاً لا يكون إلا في الوقف، انتهى.

و في الكامل للزهلي: والعصر، والصبر، والفجر، والوتر، بكسر ما قبل الساكن في هذه كلها هارون و ابن موسى عن أبي عمرو و الباقون: بالإسكان كالجماعة، انتهى.

و قال ابن خالويه: وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ، بنقل الحركة عن أبي عمرو.

و قال صاحب اللوامح عيسى: البصرة بالصبر، بنقل حركة الهاء إلى الياء لثلاثي احتاج أن يأتي ببعض الحركة في الوقف، و لا إلى أن يسكن فيجمع بين ساكنين، و ذلك لغة شائعة، و ليست شاذة بل مستفيضة، و ذلك دلالة على الإعراب، و انفصال عن التقاء الساكنين، و مادته حق الموقوف عليه من السكون، انتهى. و قد أنشدنا في الدلالة على هذا في شرح التسهيل عدّة أبيات، كقول الراجز: (أنا جرير كنيته أبو عمر / أضرب بالسيف و سعد في العصر) يريد: أبو عمرو. و العَصْرُ

۲. در روایت قمی «عبارت عملوا الصالحات» نیامده بود که آن را از فرات آوردیم؛ و در مجموع، متن و سند در روایت فرات اندکی متفاوت است:

قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتٌ مَعْنَنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ [الصَّادِقِ] ع فِي قَوْلِهِ [قَوْلَ اللَّهِ] تَعَالَى إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ قَالَ اسْتَشْنَى اللَّهُ تَعَالَى أَهْلَ صَفْوَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ حَيْثُ قَالَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَدَّوْا الْفَرَائِضَ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ الْوَلَايَةَ وَ أَوْصَوْا ذُرَارِيَهُمْ وَمَنْ خَلَفُوا بِالْوَلَايَةِ وَبِالصَّبْرِ عَلَيْهَا.

الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِوَلَايَةِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع [وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَدْوًا الْفَرَائِضَ] وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ ذُرِّيَّاتِهِمْ وَ مَنْ خَلَفُوا بِالْوَلَايَةِ وَتَوَاصَوْا بِهَا وَصَبَرُوا عَلَيْهَا.

(۲) روایاتی درباره مصداق اعلاى این آیه:

الف. زید بن ارقم جزء کسانی است که خطبه پیامبر ص در روز غدیر را روایت کرده است. وی در فرازی از روایت خود می آورد که رسول الله ص فرمود: به خدا سوگند که سوره والعصر در مورد علی ع نازل شد: به نام خداوند رحمت گستر همواره مهربان؛ سوگند به عصر؛ همانا انسان واقعاً در زیان است؛ مگر علی ع که ایمان آورد و به حق و به صبر رضایت داد.

التحصین لأسرار ما زاد من کتاب الیقین (ابن طاوس)، ص ۵۷۸ و ۵۸۵؛ العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة (علامه حلی)،

ص ۱۷۶

من کتاب نور الهدی و المنجی من الردی .. فَقَالَ مَا هَذَا لَفُظُهُ:

أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الشَّيْبَانِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ الطَّبْرِيُّ وَ هَارُونُ بْنُ عَيْسَى بْنِ السَّكِّينِ الْبَلَدِيُّ قَالَا حَدَّثَنَا حُمَيْدُ بْنُ الرَّبِيعِ الْخَزَّازُ قَالَ حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ قَالَ حَدَّثَنَا نُوحُ بْنُ مَبَشَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ صَالِحٍ عَنْ ابْنِ امْرَأَةٍ يَزِيدِ بْنِ أَرْقَمٍ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ قَالَ: لَمَّا أَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ جَاءَ حَتَّى نَزَلَ بِغَدِيرِ خُمٍّ بِالْجُحْفَةِ .. فِي عَلِيٍّ وَ اللَّهِ نَزَلَ سُورَةُ وَالْعَصْرِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا عَلَى الَّذِي آمَنَ وَ رَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ

ب. در برخی کتب اهل سنت از رسول الله ص در توضیح مصداق اصلی این سوره روایت شده است:

«سوگند به عصر؛ همانا انسان واقعاً در زیان است»؛ این ابوجهل است؛ «مگر کسانی که ایمان آوردند و شایسته ها انجام دادند و همدیگر را به حق توصیه، و یکدیگر را به صبر سفارش کردند» اینها حضرت علی ع و شیعیان اویند.

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۴۸۲

أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو الْبَسْطَامِيُّ بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ مِنْ أَصْلِهِ، أَخْبَرَنَا أَبُو أَحْمَدَ بْنُ عَدِيٍّ الْجُرْجَانِيُّ حَدَّثَنَا عَصَمَةُ بْنُ إِسْرَافِيلَ بْنِ بَجْمَاكٍ قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْعَبَّاسِ الْبَصْرِيُّ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ رَبِيعَةَ الْقُرَشِيُّ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ سَعْدِ الزُّهْرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ شَهَابِ الزُّهْرِيِّ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ [هُوَ] أَبُو جَهْلٍ بْنُ هِشَامٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ [قَالَ: هُمْ] عَلَى وَ شِيعَتُهُ.

(۳) از امام باقر ع روایت شده است که هنگامی که وفات پدرم امام سجاد ع نزدیک شده بود مرا در آغوش فشرد و فرمود:

فرزندم! تو را به چیزی وصیت می کنم که پدرم هنگامی که در شرف وفات بود سفارش کرد و آن چیزی است که پدرش به او سفارش کرده بود؛ پسرم! بر حق صبر و شکیبایی داشته باش هرچند که تلخ باشد.

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عِيسَى بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع:

لَمَّا حَضَرَتْ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عِ الْوَفَاةُ ضَمَّنِي إِلَى صَدْرِهِ وَقَالَ يَا بَنِي أَوْصِيكَ بِمَا أَوْصَانِي بِهِ أَبِي حِينَ حَضَرْتَهُ الْوَفَاةُ وَبِمَا ذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ أَوْصَاهُ بِهِ يَا بَنِي أَصْبِرْ عَلَى الْحَقِّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا.

(۴) از امام باقر ع روایت شده است:

بهشت پیچیده در سختی‌ها و [نیازمند] صبر است؛ پس هر که بر سختی‌های در دنیا صبر کرد، وارد بهشت شود؛ و جهنم پیچیده در لذات و شهوات است، پس هر کس به نفس خویش لذات و شهواتش را داد، وارد آتش شده است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ حَمَزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ:

الْجَنَّةُ مَحْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرُ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَجَهَنَّمَ مَحْفُوفَةٌ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ فَمَنْ أَعْطَى نَفْسَهُ لَذَّتَهَا وَشَهَوَاتَهَا دَخَلَ النَّارَ.^۱

تدبر

(۱) «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»

چرا برای زیانکار نشدن، بعد از ایمان و عمل صالح، دو شرط دیگر (توصیه همدیگر به حق؛ و توصیه همدیگر به صبر) را اضافه کرد؟

الف. اینها از باب ذکر خاص بعد از عام است (توصیه به حق، یکی از مصادیق عمل صالح است؛ و توصیه به صبر، یکی از مصادیق توصیه به حق است)؛ و این برای:

۱. این روایات هم درباره صبر قابل توجه است:

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ فَضِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع؛ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ. (الكافي، ج ۲، ص ۸۷-۸۸)

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَدِّهِ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: لَوْ لَأَنَّ الصَّبْرَ خُلِقَ قَبْلَ الْبَلَاءِ لَتَفَطَّرَ الْمُؤْمِنُ كَمَا تَتَفَطَّرُ الْبَيْضَةُ عَلَى الصَّفَا (الكافي، ج ۲، ص ۹۲)

حَمِيدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبَانَ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي التُّعْمَانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ لَأَ يُعَدَّ الصَّبْرَ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ يَعْجِزُ. (الكافي، ج ۲، ص ۹۳)

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّا صَبْرٌ وَشِيعَتُنَا أَصْبَرُ مِنَّا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ صَارَ شِيعَتُكُمْ أَصْبَرُ مِنْكُمْ قَالَ لَأَنَا نَصِرُ عَلَى مَا نَعْلَمُ وَشِيعَتُنَا يَصْبِرُونَ عَلَى مَا لَا يَعْلَمُونَ. (الكافي، ج ۲، ص ۹۳)

الف. ۱. تاکید و اهتمام ویژه به این دو است؛ (المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۷)

الف. ۲. نشان دادن آن است که کسی که اهل ایمان و عمل صالح است چنان شرح صدری نسبت به اسلام پیدا می‌کند که اهتمامی ویژه به گسترش حق و حقیقت و استقامت در این مسیر پیدا می‌کند (المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۷)

ب. اینکه می‌خواسته تذکر دهد که انسان را نباید صرفاً در افق شخصی خودش (ایمان و عمل صالح او) تحلیل کرد؛ بلکه او موجودی اجتماعی است، و بشدت در تاثیر و تاثر با دیگران بسر می‌برد:

اگر کسی،

اولاً مدار این تاثیر و تاثر را بر مدار حق قرار ندهد،

و ثانیاً در برابر مشکلات فراوانی که این زندگی اجتماعی بر او تحمیل می‌کند شکیبایی پیشه نکند،
حتماً ایمان و عمل صالح وی ناکام خواهند ماند.

ج. ایمان، باوری درونی است و ناظر به حوزه شناخت و اعتقاد است؛ و عمل صالح، ناظر به حوزه رفتار است؛ اما علاوه بر این دو ساحت، در آدمی ساحت گرایشات نیز وجود دارد؛ و این ساحت را باید با تاکید متقابل بر حق‌گرایی و شکیبایی‌ورزی تقویت کرد.

د. ...

۲) «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا...»

در این آیه، اولین ویژگی که برای اینکه انسان دچار خسران نشود، برشمرد، «ایمان» بود.

ایمان چه نقشی در این زمینه دارد؟

الف. زندگی بر اساس «ایمان»، یعنی زندگی‌ای که یک دسته از باورها را مبنای زندگی قرار می‌دهد.

نکته تخصصی انسان‌شناسی

از مهمترین تفاوت‌های انسان با سایر حیوانات، این است که ذهن و عقل دارد و عمده زندگی‌اش را با تکیه بر آن و به صورت خودآگاه، و نه با تکیه بر غریزه پیش می‌برد.

ایمان، یعنی انسان ساحت باورهایی که در ذهنش هست را جدی بگیرد. بسیاری از انسان‌ها مدار زندگی‌شان، بر اساس «لذت‌جویی» و «هر چه پیش آید، خوش آید» است. چنین انسانی حقیقت خود را در افق حیوانیت خویش تعریف کرده، و طبیعی است که از مقصد حقیقی‌ای که در پیش روی او قرار دارد، باز می‌ماند. در مقابل، «مومن» کسی است که مبنای زندگی خود را بر اساس یک سلسله باورهای عمیق رقم می‌زند. توجه شود که در اینجا نه تعبیر «مسلمان» را به کار برد و نه متعلق «ایمان» را تصریح کرد. شاید بدین جهت که نشان دهد که چنین نیست که صرف انتساب شناسنامه‌ای و ادعایی به اسلام، انسان را از خسران درآورد، بلکه:

از طرفی شخص باید از افق مسلمانی فراتر رفته و در افق ایمانی قرار گرفته باشد (توضیح برتری ایمان بر اسلام در

حجرات/۱۴)

و از طرف دیگر، اگر شخص «باورهای» خویش در زندگی را جدی بگیرد و برای آنها سرمایه‌گذاری کند، حتماً به ایمان صحیح ره می‌برد؛ و شاید با تعبیر «تواصوا بالحق» می‌خواهد نشان دهد که ایمانی واقعا ایمان است، که جهت‌گیری‌اش حق و حقیقت باشد؛ و خدا هم چون حق و حقیقت است، متعلق ایمان قرار می‌گیرد.

ب. ...

۳) «إِلَّا الَّذِينَ ... عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ...»

در این آیه، دومین ویژگی که برای اینکه انسان دچار خسران نشود، برشمرد، «انجام دادن شایسته‌ها» بود. چون «الصَّالِحَاتِ» صیغه جمع است که بر سر آن «ال» آمده، دلالت بر «شمول» می‌کند، یعنی «تمام کارهای شایسته». با این تعبیر می‌خواهد نشان دهد که مومنی هم که گاه گناه می‌کند، (و چه بسا به خاطر گناهانش در برزخ یا در مواقع قیامت تا حدودی عذاب شود) نیز ضرر کرده است؛ تنها کسی ضرر نکرده که همه کارهای خوب را انجام دهد. (المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۷)

اما مقصود از انجام همه کارهای خوب چیست؟ مگر یک انسان چقدر عمر و امکانات دارد که بتواند همه کارهای خوب را انجام دهد؟

الف. مقصود این است که در هر کار حلال و حرامی که در برابرش پیش آید خدا را در نظر داشته باشد و بر اساس دستور خدا عمل کند (جلسه ۵۳۰، حدیث ۳ <http://yekaye.ir/al-ahzab-33-41>)^۱ که در این صورت، هر کاری که انجام دهد کار شایسته است.

ب. شاید مقصود این است که به نحوی کار انجام دهد که کارهای دیگران هم به حساب او نوشته شود؛

مثلاً از باب اینکه از ته دل از انجام هر کار خوبی خوشحال شود، که در حدیث است که کسی که به کار قومی رضایت داشته باشد از آنان محسوب می‌شود (الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّاخِلِ فِيهِ مَعَهُمْ؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴؛ مَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ؛ عيون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۳)

یا از باب اینکه اعمال صالحی را در جامعه انجام دهد به نحوی که در دیگران موثر واقع شود و آنان را به انجام کار صالح تشویق نماید، که هر کس سنت نیکویی را در جامعه شایع کند معادل ثواب عمل هرکسی هم که آن را انجام دهد به حساب او نوشته می‌شود (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ. الكافي، ج ۵، ص ۹)^۲

ج. ...

۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: ... وَ ذَكَرَ اللَّهُ كَثِيرًا أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ لَكُمْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَكِنَّ ذِكْرَ اللَّهِ عِنْدَ مَا أَحَلَّ لَهُ وَ عِنْدَ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ (معانی الاخبار، ص ۱۴۹)

۲. متن کامل این حدیث قبلاً در جلسه ۴۰۳، حدیث ۱ گذشت: <http://yekaye.ir/al-ankaboot-29-6>

۴) «إِلَّا الَّذِينَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ»

در این آیه، سومین ویژگی کسانی که دچار خسران نمی‌شوند، را «توصیه همدیگر به حق» دانست. درباره اینکه این «حق» چیست، در میان مفسران دیدگاه‌هایی مطرح شده است، مانند قرآن^۱، ایمان به توحید^۲، و ... اما به نظر می‌رسد حق با کسانی است که این را شامل هر حق و حقیقتی دانسته و گفته‌اند این مفهومی است که حتی از امر به معروف و نهی از منکر هم گسترده‌تر است، زیرا امر به معروف تنها حوزه عمل را شامل می‌شود اما این شامل اعتقادات هم می‌شود. (المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۷)

این ویژگی چه تاثیری در زیانکار نشدن آدمی دارد؟

الف. درک حقیقت و باقی ماندن بر آن در زندگی دنیا با مشکلات متعددی مواجه است، از دشواری در فهم آن، تا تردیدافکنی‌ها و وسوسه‌های شیاطین جن و انس، و انسان‌های مومن باید دائماً همدیگر را در این مسیر یاری رسانند تا بتوانند همچنان بر موضع حق باقی بمانند و دچار تردید نشوند.

ب. پایبندی به حق، در مقام عمل با سختی‌ها و تلخی‌های فراوان همراه است (حدیث ۳) و یکی از اموری که هر کار سختی را بر شخص، آسان و قابل تحمل می‌کند، این است که ببیند دیگرانی هم هستند که آن موضع را دارند. در واقع خداوند از مومنان خواسته در مسیر پیمودن راه خدا دست همدیگر را بگیرند و با تقویت ارتباطات حق محور بین خویش، برای همدیگر اطمینان قلبی ایجاد کنند.

ج.

۵) «إِلَّا الَّذِينَ ... تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»

در این آیه، چهارمین ویژگی کسانی که دچار خسران نمی‌شوند، را «توصیه همدیگر به صبر و شکیبایی» دانست. مقصود چیست؟ و این توصیه چه ضرورتی در این راستا دارد؟

الف. مقصود هر سه قسم صبر (صبر بر طاعت، صبر و خودداری از معصیت، و صبر بر مصیبت) است (المیزان، ج ۲، ص ۳۵۷)

ب. هشدار آن از باب واقع‌بینی است. در واقع، مسیر الی الله، مسیری است که با دشواری‌های فراوان همراه است؛ و خداوند قرار نیست ثمره همه کارهای ما را بلافاصله و حتی در دنیا بدهد؛ از این رو، آن چیزی که پشتوانه ایمان است، این است که انسان اولاً صبر داشته و انتظار نداشته باشد که اعمالش زودبازده باشد و ثانیاً دائماً این فضای صبوری را در میان مومنان بگستراند.

۱. قتاده و حسن بصری، به نقل مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۱۵

۲. مقاتل، به نقل مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۱۵

برخی گمان می‌کنند که چون مشکلات متعددی در کشور ما وجود دارد، پس کسانی که انقلاب کردند واقعا به اهدافشان نرسیدند.

در عین حال که بنای این سخن نه انکار مشکلات و نه توجیه آنهاست، اما باید تذکر دهیم که این گونه تحلیل‌ها ناشی از نشناختن حقیقت پیمودن مسیر خداست. مسیر حق با سختی‌ها و دشواری‌های فراوان همراه است؛ و این انتظاری نابخردانه است که گمان کنیم همین که پیمودن مسیر حق را شروع کردیم دیگر همه امور بر وفق مراد خواهد بود. اتفاقا در مسیر حق هرچه جلوتر برویم آزمون‌ها و ابتلائات سنگین‌تر و دشوارتری مواجه خواهیم شد. اساساً خود پدیده نفاق یک ابتلای خاص جامعه دینی است، و اگرچه باید تمام تلاش خود را انجام دهیم که با بالا بردن توان تجزیه و تحلیل و بصیرت مردم، جلوی نفوذ کلام منافقان را بگیریم، اما اینکه گمان کنیم می‌شود ارزش‌های دینی را در جامعه گستراند، اما منافقی پدید نیاید و کسی از این ارزش‌ها سوءاستفاده نکند، خیالی خام است.

وقتی یکی از مولفه‌های اصلی مصون ماندن از خسران، توصیه همیشگی به صبر است، یعنی پیمودن این مسیر در دنیا همواره با مشکلات جدی همراه خواهد بود.

ج. ...

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾

در روایات متعددی در کتب شیعه و نسی، حضرت علی ع مصداق اصلی این سوره معرفی شده و حتی این سوره را در شان ایشان دانسته‌اند (مثلا حدیث ۱ و حدیث ۲)

چرا؟

الف. ابن عباس در این زمینه گفته است: خداوند همه این خصلتها [که در این سوره آمده] را در حضرت علی ع جمع کرد:

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا: به خدا سوگند که او اولین مومنی بود که ایمان آورد؛

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ: او اولین کس از اهل زمین است که همراه رسول الله نماز گذارد و خدا را پرستید؛

وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ: یعنی به قرآن، و یاد گرفتن قرآن از رسول خدا ص در حالی که جوانی بیست و هفت ساله بود*

وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ: یعنی اینکه حضرت محمد ص علی ع را به صبر و شکیبایی از بر خورداری از [دنیا سفارش کرد و او را

به حفاظت از فاطمه س و به جمع کردن قرآن بعد از رحلتش و به ادای دینش و به اینکه او را بعد از مرگش غسل دهد و ...

و او را به حفاظت از امام حسن و امام حسین ع سفارش کرد و این است مراد از «همدیگر را به صبر سفارش کردند». (شواهد

التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۴۸۳)^۱

۱. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ الْجَمْحِيُّ بِمَكَّةَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ حَدَّثَنَا أَبُو نَعِيمٍ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ عَنْ ابْنِ جُرَيْجٍ عَنْ عَطَاءٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: جَمَعَ اللَّهُ هَذِهِ الْخِصَالَ كُلَّهَا فِي عَلِيٍّ «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا» كَانَ وَاللَّهِ أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» وَكَانَ أَوَّلَ مَنْ صَلَّى وَعَبَدَ اللَّهَ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ

۷) «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ»

خداوند سوگند می‌خورد که انسان - از آن جهت که انسان است - در زیان است مگر کسانی که:

ایمان بیاورند؛

همه کارهای شایسته را انجام دهند؛

همدیگر را به حق توصیه کنند؛

همدیگر را به صبر و شکیبایی سفارش کنند.

تاملی با خویش

آیا این چهار ویژگی، در ما جمع است؛ یعنی:

آیا باورهائیمان را جدی می‌گیریم و مهمترین هم و غم‌مان تصحیح و ارتقای ایمانمان است یا در روزمرگی غوطه‌ور شده و دین صرفاً لقلقه زبانمان است و از آن دسته کسانی هستیم که امام حسین ع فرمود: بنده دنیا بیند و دین لقلقه زبانشان است و تا بلایی در رسد دینداران کم می‌شوند (تحف العقول، ص ۲۴۵)^۱

آیا هر کاری که پیش رویمان قرار گیرد، در درجه اول، آن را با منافع دنیوی‌ای که در پی دارد (از سود مادی گرفته تا شهرت و اعتبار و ...) ارزیابی می‌کنیم یا با تعالیم دین؛ و محور فعالیت‌هایمان، کار دلخواه است یا کار شایسته؟! آیا خودمان واقعا درصدد یافتن حق و حقیقت هستیم و دیگران را هم به حق دعوت می‌کنیم یا تنها زمانی حق را قبول داریم که به نفعمان باشد؛ در نقد و چه بسا تخریب شخصیت همه افرادی که کوچکترین خطایی مرتکب می‌شوند درنگی نمی‌کنیم و در همان حال، اگر همان خطا از خودمان یا دوستانمان سرزند، انواع توجیه‌ها برایش می‌آوریم؟! آیا خودمان اهل صبر هستیم و دیگران را به صبر تشویق می‌کنیم، یا به غرغر زدن و کاری نکردن برای حل مشکلات خو گرفته‌ایم؟!



ص «و تَوَّصُوا بِالحَقِّ» یعنی بِالْقُرْآنِ، وَ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ كَانَ مِنْ أَبْنَاءِ سَبْعٍ وَ عَشْرِينَ سَنَةً «و تَوَّصُوا بِالصَّبْرِ» یعنی وَ أَوْصَى مُحَمَّدٌ عَلِيًّا بِالصَّبْرِ عَنِ الدُّنْيَا وَ أَوْصَاهُ بِحِفْظِ فَاطِمَةَ وَ بَجَمْعِ الْقُرْآنِ بَعْدَ مَوْتِهِ وَ بَقِضَاءِ دِينِهِ وَ بَغَسَلِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ وَ أَنْ يَبْنِيَ حَوْلَ قَبْرِهِ حَائِطًا لئَلَّا تُؤْذِيَهُ النِّسَاءُ بِجُلُوسِهِنَّ عَلَى قَبْرِهِ وَ أَوْصَاهُ بِحِفْظِ الحَسَنِ وَ الحُسَيْنِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ: وَ تَوَّصُوا بِالصَّبْرِ .

۱. إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعَقٌّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ .

لازم به ذکر است که مطالب فوق به صورت روزانه در پیام‌رسان سروش و تلگرام به آدرس زیر قرار داده می‌شد
پیام‌رسان سروش:

<http://sapp.ir/yekaye.ir>

پیام‌رسان تلگرام:

<https://t.me/YekAaye>

و تمامی محتواهای فوق در پایان هر روز در سایتی به آدرس <http://yekaye.ir> قرار داده می‌شود و در آنجا علاوه بر امکان جستجو، می‌توانید مطلع شوید که دقیقاً تاکنون چه آیاتی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین مجموعه نهایی شده بقیه این فایلها را در لینک زیر می‌توانید بیابید.

www.souzanchi.ir/site-yekaaye/

همچنین کانالی با عنوان «یک آیه در روز- گزیده» در پیام‌رسان تلگرام راه‌اندازی شده است که برای راحتی کسانی که فرصت کمتری دارند و به بحث‌های تخصصی چندان علاقه‌ای ندارند، گزیده‌ای از مطالب این کانال قرار داده می‌شود. به آدرس

<https://t.me/YekAayah>

هرگونه استفاده از محتواهای فوق در راستای ترویج معارف قرآن و اهل بیت ع، حتی بدون ذکر منبع، بلامانع است.

در صورتی که مباحث این کانال و سایت را در ترویج معارف قرآنی و ارتقای فرهنگ دینی جامعه مفید یافتید، آن را به دوستان خود نیز معرفی کنید.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

حسین سوزنچی